



یادداشت

حسن بهشتی‌پور

در دوران پسابرجام چه باید کرد؟

فعال‌سازی مکانیسم ماشه پیامدهای حقوقی، امنیتی و روانی قابل توجهی برای ایران دارد؛ با این حال راه حل مؤثر در اقدام‌های تنش‌آفرین (مثل بحث خروج از ان‌پی‌تی) نیست بلکه در ترکیب اصلاحات ساختاری داخلی، مدیریت افکار عمومی، تقویت تولید و دیپلماسی فعال است.

۱. واقعیت شرایط جهانی و پیامدهای بین‌المللی

دوران پسابرجام بدون توافق با آمریکا و اروپا، تا حدی ایران را به چارچوب قطعنامه‌های شورای امنیت ذیل فصل هفتم بازمی‌گرداند. این بازگشت، ولو عمدتاً ذیل بند ۴۱ (تحریم‌های اقتصادی)-وضعیت ایران را در عرف بین‌المللی به عنوان «تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی» قرار داده و امکان بهره‌برداری سیاسی و حقوقی از سوی دشمنان بین‌المللی ایران را افزایش می‌دهد. نتیجه عملی می‌تواند شامل محدودیت در تجارت، بازرسی‌ها و ایجاد توجیه برای اقدام‌های محدودیت‌ساز علیه مراودات اقتصادی ایران باشد.

با این حال باید توجه داشت قطعنامه‌های شورای امنیت از منظری فنی و رسمی هستند و دامنه عملی آثارشان (در مقایسه با تحریم‌های ثانویه آمریکا) بسیار کمتر است؛ بنابراین پیگیری شکایت حقوقی از کشورهای آلمان، انگلیس و فرانسه در دادگاه بین‌المللی لاهه و ثبت ادعاها و دفاع حقوقی باید همزمان با اقدام‌های میدانی در داخل برای بهبود شرایط اقتصادی کشور دنبال شود.

۲. ابعاد امنیتی و ریسک‌های منطقه‌ای

از منظر امنیتی، دوران پسابرجام می‌تواند به دستاویزی برای تشدید فشارها یا تشدید عملیات امنیتی‌سازی علیه ایران تبدیل شود؛ تجربه بین‌المللی نشان می‌دهد افزایش قابلیت‌های هسته‌ای لزوماً بازآرندگی کامل ایجاد نمی‌کند. نمونه‌های هند-پاکستان و تجربه اسرائیل نشان می‌دهد داشتن تسلیحات هسته‌ای مانع تنش‌های متعارف یا عملیات نظامی و نامتوازن نشده است. بنابراین تمرکز صرف بر تولید سلاح هسته‌ای، علاوه بر هزینه‌های فنی و سیاسی سنگین، امکان تحریک رقیبان و تشدید تهدیدها را بالا می‌برد. از این رو، تقویت توان دفاعی متعارف، ارتقای آمادگی نظامی و ساختارهای بازدارنده متناسب با سطح تهدید و کوشش در راستای همکاری‌های منطقه‌ای، گزینه‌ای واقع‌گرایانه‌تر و کم‌هزینه‌تر نسبت به دنبال کردن مسیر تسلیحات هسته‌ای است.

۳. آثار روانی و اقتصادی: «خطر واقعی فضای ذهنی»

بخش عمده‌ای از اثرات بازگشت قطعنامه‌ها در دوران پسابرجام روانی است. بازارها، سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی بر اساس انتظارات آینده عمل می‌کنند. در بازار پراشتاب حتی نشانه‌های کوچک از پیشرفت یا پسرفت مذاکرات می‌تواند نرخ ارز و جریان سرمایه را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین مدیریت فضای روانی جامعه و فعالان اقتصادی یکی از نقاط کلیدی برای مدیریت بحران در دوران پسابرجام است. اغراق یا کوچک‌نمایی پیامدهای به نتیجه نرسیدن مذاکرات و بازگشت قطعنامه‌های تحت فصل هفتم هر دو مضر هستند؛ سیاست‌گذاران و رسانه‌ها باید با آگاهی از پیامدهای روانی، هم واقعیت‌ها را شفاف بیان کرده و هم از ایجاد وحشت یا امید واهی جلوگیری کنند.

۴. شناساندن تمایز میان تحریم‌های رسمی و ثانویه آمریکا

تفاوت محوری این است که تحریم‌های ثانویه آمریکا (به‌ویژه در حوزه نفت، پتروشیمی و بخش بانکی) در عمل گستره نفوذ بسیار وسیع‌تری دارند و تأثیرهای اقتصادی خود را از سال ۱۳۹۷ به بعد در اقتصاد کشور گذاشته‌اند. در حالی که تحریم‌های اقتصادی که در قطعنامه‌های شورای امنیت در نظر گرفته شده‌اند، محدودترند، اما بازگشت رسمی آن‌ها در دوران پسابرجام به هر حال بار حقوقی و نمادین مهمی دارد که باید مدیریت شود.

۵. راهکارها: ترکیبی و همزمان

۱-**اصلاحات ساختاری اقتصادی**: خروج بانک‌ها از بنگاهداری، اصلاح نظام بیمه، نظام مالیاتی و گمرکات تا هزینه‌ز موانع تولید کاهش یابد. این اصلاحات به افزایش تولید ملی و بهبود انتظارات بلندمدت کمک می‌کند.

۲-**مدیریت روانی و رسانه‌ای**: رسانه‌ها باید تحلیل‌های مستند و واقع‌بینانه ارائه کنند؛ از دامن‌زدن به هیجان‌ها و از القای اطمینان کاذب اجتناب شود. اطلاع‌رسانی هماهنگ دولت، بانک مرکزی و بخش خصوصی درباره اقدام‌های احتیاطی و برنامه‌های حمایتی ضروری است.

۳-**دیپلماسی فعال و پیگیری حقوقی**: استفاده همزمان از ادبیات حقوقی در مجامع بین‌المللی و کانال‌های دیپلماتیک برای کاهش اثرات حقوقی و سیاسی بازگشت قطعنامه‌ها. ثبت شکایت‌ها، ارائه اسناد و تعامل فنی با نهادهای بین‌المللی می‌تواند از شدت پیامدها بکاهد.

۴-**تقویت تولید و انگیزه‌های سرمایه‌گذاری**: سیاست‌های حمایت‌گراانه و هوشمندانه برای حفظ تولیدکنندگان و جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و منطقه‌ای، ایجاد ابزارهای تشویقی و کاهش ریسک‌پذیری بخش خصوصی.

۵-**ارتقای توان دفاعی متعارف و بازدارندگی متوازن**: تمرکز بر قدرت متعارف، پدافند و آمادگی به جای سرمایه‌گذاری علنی در مسیر تولید تسلیحات هسته‌ای که هزینه‌های سیاسی و اقتصادی سنگینی خواهد داشت.

۶. دوری از اقدام‌های هیجانی و ماجراجویی

بحث تولید بمب هسته‌ای در شرایط فعلی از زاویه عقلانیت راهبردی، غیرمنطقی و خطرناک است. اولاً موضع رسمی رهبر معظم انقلاب بر حرمت ساخت و به کارگیری سلاح هسته‌ای صریح است. ثانیاً تجربه بین‌المللی نشان می‌دهد داشتن چند سلاح هسته‌ای تضمین بازآرندگی سراسری در برابر قدرت‌های بزرگ نیست و عملاً می‌تواند موجب تشدید فشارها، تحریم‌ها و حتی اقدام‌های پیشدستانه شود. بنابراین منابع کشور باید صرف اصلاحات ساختاری، تقویت تولید، دیپلماسی و ارتقای توان دفاعی متعارف شود.

۷. تقویت حضور مردم در اقتصاد و سیاست کشور

دو محور اصلی: (۱) اصلاحات داخلی اقتصادی و ساختاری که تاب‌آوری اقتصادی را از طریق مشارکت مردم در فعال کردن کارگاه‌های کوچک اقتصادی که می‌تواند در کوتاه‌مدت تولید ملی را افزایش دهد. (۲) آگاهی و امیدآفرینی به موقع و گسترده در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های گروهی برای مردم به منظور تقویت انسجام ملی و برانگیختن حس مسئولیت اجتماعی و در نهایت کاهش شکاف میان دولت، در ناکام گذاردن نقشه‌های شوم دشمن، بسیار تأثیرگذار خواهد بود.

پرهیز از رفتارهای نمایش محور و شعارزده در عین پیگیری حقوقی و دیپلماتیک، اولویت عملی بر افزایش تولید، ثبات بازار و ارتقای پیش‌بینی‌پذیری محیط کسب و کار باشد. در دوران پسابرجام مقابله موفق با طرح‌های دشمنان ایران، نیازمند عزمی همزمان در داخل (اصلاحات و مدیریت روانی) و خارج (دیپلماسی و پیگیری حقوقی) است. مسیر منطقی و عملی؛ تقویت ظرفیت‌های ملی و دوری از راه‌حل‌های پرهزینه و تحریک‌آمیز مانند تولید سلاح هسته‌ای است.

گفت‌وگوی اختصاصی قدس با دو چهره مقاومت درباره ابعاد آتش‌بس و رویکرد ایران در قبال جبهه مقاومت

ایران حامی مقاومت از آرمان همیشگی تا واقعیت میدانی



ایران در امور داخلی فلسطینیان هیچ گاه مداخله نمی‌کند و در حال حاضر حماس مسئول پاسخ به این گونه موضوعات از طریق مذاکره برای برقراری آتش‌بس است

سیدحسین حسینی | در پی انتشار خبر تصمیم جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) برای پذیرش مشروط طرح آتش‌بس با رژیم صهیونیستی، فضای سیاسی و رسانه‌ای منطقه بار دیگر در معرض موجی از گمانه‌زنی‌ها و تحلیل‌های متفاوت قرار گرفته است. این تصمیم که به دنبال ماه‌ها نبرد سنگین در نوار غزه و فشارهای سیاسی- انسانی از سوی برخی کشورهای میانجی اتخاذ شده، واکنش‌های متفاوتی را در میان محور مقاومت برانگیخته است.

در همین راستا، به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران که همواره حامی راهبردی جبهه مقاومت و پشتیبان سیاسی و معنوی ملت فلسطین بوده، رویکردی چندلایه و هدفمند نسبت به تحولات جدید در غزه اتخاذ کرده است؛ رویکردی که نه تنها در چارچوب اصول ثابت سیاست خارجی تهران در حمایت از آرمان فلسطین قابل تبیین است، بلکه با ملاحظات میدانی و توازن قوا در منطقه نیز پیوندی مستقیم دارد.

روزنامه قدس در ادامه بررسی‌های خود درباره تحولات محور مقاومت، در گفت‌وگو با دو تن از چهره‌های برجسته جریان مقاومت به تحلیل ابعاد سیاسی، میدانی و راهبردی این تصمیم و موضع‌گیری‌های

احتمالی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است.

■ آتش‌بس از سر تدبیر است نه تسلیم

ناصر ابوشریف، نماینده جنبش جهاد اسلامی فلسطین در تهران در گفت‌وگوی اختصاصی با روزنامه قدس درباره توافق احتمالی آتش‌بس میان حماس و رژیم صهیونیستی، با تأکید بر اینکه حماس و رژیم صهیونیستی، رویکردی که نه تنها جدید در غزه اتخاذ کرده است؛ رویکردی که نه تنها در چارچوب اصول ثابت سیاست خارجی تهران در حمایت از آرمان فلسطین قابل تبیین است، بلکه با ملاحظات میدانی و توازن قوا در منطقه نیز پیوندی مستقیم دارد.

روزنامه قدس در ادامه بررسی‌های خود درباره تحولات محور مقاومت، در گفت‌وگو با دو تن از چهره‌های برجسته جریان مقاومت به تحلیل ابعاد سیاسی، میدانی و راهبردی این تصمیم و موضع‌گیری‌های بندهای قابل قبول است. ما از ابتدا با تشکیل

در حالی انجام شد که امیر نصیرزاده، وزیر دفاع کشورمان در سفری ناگهانی به دعوت یاشار گولر، وزیر دفاع ترکیه در آنکارا بوده و با مقامات این کشور برای تقویت همکاری‌های نظامی دیدار کرده و گفته است: «ما خیلی به هم نزدیک شده‌ایم؛ اشتراکات ایران و ترکیه آن قدر گسترده است که اختلافات در برابر آن ناچیز به شمار می‌روند؛ اما دشمنان همواره تلاش کرده‌اند این اختلافات را بزرگ‌نمایی کنند».

گذشته از اینکه تحریم‌های شورای امنیت موضوعیت خود را از دست داده و فاقد تأثیر عینی است، سابقه ترکیه در روابط غیررسمی و پنهانی با شریکان مختلف نشان می‌دهد مواضع رسمی و اعلامی این کشور لزوماً نشان‌دهنده سیاست‌های اعمالی و عملکرد آن نیست. مضاف بر اینکه ترکیه به عنوان یکی از اعضای ناتو ملاحظات خاص خود را هم دارد.

ترکیه همان‌زمانی که در ارتباط نزدیک با روسیه بودو حتی در خرید سامانه دفاع هوایی از این کشور، قید جنگنده نسل پنجم آمریکایی را زد و تحریم‌هایش

اداره‌ای فلسطینی و تکنوکرات با حمایت تشکیلات خودگردان و پشتیبانی منطقه‌ای همراه بوده‌ایم. نماینده جنبش جهاد اسلامی فلسطین در تهران در عین حال تأکید کرد: اما بندهایی نیز وجود دارد که برای مقاومت و ملت فلسطین قابل پذیرش نیست، از جمله شرط خلع سلاح یا باقی ماندن نیروهای اشغالگر در نوار غزه. خروج کامل رژیم صهیونیستی و رد هر گونه شرط خلع سلاح از مواضع اصلی ماست. موضوع سلاح مقاومت تنها در چارچوب گفت‌وگوی داخلی فلسطینی و پس از تشکیل حکومت در غزه قابل بررسی است.

وی با اشاره به جزئیات طرح آمریکایی، افزود: در این طرح ادعا شده است که در مدت ۷۲ ساعت پس از اعلام موافقت اسرائیل، اسیران اسرائیلی آزاد خواهند شد، اما واقعیت میدانی چنین امکانی را نمی‌دهد. اجرای هر توافقی نیازمند سازوکارهای دقیق

را به جان خرید، پهنپادهایش را در اوکراین، جبهه مقابل روسیه به پرواز درمی‌آورد. این کشور بارها از قطع روابط تجاری با رژیم صهیونیستی خبر داده، ولی مراودات اقتصادی و صادرات مستقیم و غیرمستقیم آن به بندرهای حیفا و اشدود چیزی نیست که از نظر پهنپان‌ها بماند. حالا همزمان با اعلام برقراری تحریم‌های ایران در ترکیه، دو کشور برای افزایش همکاری‌های نظامی توافق می‌کنند و برخی اخبار غیررسمی نیز از همکاری تسلیحاتی دو کشور حکایت دارند. همکاری‌هایی که اتفاقاً در تضاد با بخش مهمی از همان تحریم‌های شورای امنیت است.

این موضوع البته مسبوک به سابقه است و در سال‌های گذشته شاهد زیادی نشان از آن داشت که ترکیه از مسیرهای اصلی دور زدن تحریم‌ها برای ما بوده و البته در کنار منفعتی که نصیب کشورمان شده، خود نیز از منافع این فرایند بهره‌برده است.

بازی‌های دوگانه یا چندگانه کشورها در سیاست خارجی، موضوعی نیست که بتوان با نگاهی صرفاً

و متناسب با واقعیت‌های غزه است. او همچنین در پاسخ به این پرسش که ساختار اداره انتقالی در نوار غزه چگونه خواهد بود، گفت: ما هر گونه وصایت بین‌المللی را رد می‌کنیم. اداره غزه باید کاملاً فلسطینی باشد و مردم فلسطین از طریق گفت‌وگو و مشورت‌های داخلی تعیین خواهند کرد چه کسی حکومت کند. تصمیم‌گیری در این زمینه، حق انحصاری ملت فلسطین است.

■ تدبیر سیاسی و هوشمندی، نقطه عطف مقاومت

دکتر «راشد الراشد» از رهبران جنبش معارض بحرین هم در گفت‌وگوی اختصاصی با روزنامه قدس، بر اهمیت موضع جمهوری اسلامی ایران در حمایت از ملت‌های مستضعف و محروم به ویژه فلسطین، تأکید کرد.

او گفت: در سال‌های اخیر، جمهوری اسلامی ایران ثابت کرده همواره حامی ملت‌های مظلوم و ستمدیده در منطقه بوده است به ویژه مردم فلسطین که تحت اشغال صهیونیست‌ها قرار دارند. این موضع نه تنها از اصول انقلاب اسلامی نشأت گرفته، بلکه امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای نیز بارها بر حمایت همه‌جانبه از آرمان فلسطین تأکید کرده‌اند.

دکتر راشد با اشاره به پیوند مواضع ایران و جریان مقاومت، افزود: ایران ثابت کرده حامی محور مقاومت است و همه تلاش‌های منطقه‌ای و جهانی برای خنثی کردن این محور با شکست مواجه خواهد شد. تنها مسیر تأمین امنیت و ثبات در منطقه، احترام به اراده ملت‌ها و پشتیبانی از مقاومت برای حفظ استقلال و عزت کشورهای اسلامی است؛ از این منظر راه‌کارهای که بتواند به نسل کنشی در غزه پایان دهد و حقوق فلسطینی‌ها را تأمین کند، حتماً مورد تأیید ایران است. وی تصریح کرد: حرکت جمهوری اسلامی برای آزادی خاک فلسطین و مقابله با اشغالگران، بخشی از روحیه جهانی مقاومت است. این مسیر نه تنها انگیزه‌ای برای ملت‌های مسلمان، بلکه الگویی برای همه انقلابیون در سراسر جهان است که در برابر ظلم و تصاحب زمین‌های اسلامی ایستادگی کنند. البته تدبیر سیاسی و هوشمندی هم جزئی از این ایستادگی و حتی نقطه عطف آن است؛ آن‌جا که می‌توان از این تدابیر سیاسی به عنوان اسلحه مقاومت یادکرد.

او همچنین نقش ایران در تقابل با نفوذ صهیونیست‌ها در منطقه را برجسته کرد و گفت: صهیونیست‌ها با هدف نفوذ، مؤمنی و تثبیت قدرت خود تلاش می‌کنند ایران را به عنوان اصلی‌ترین تهدید موجودیت خود در منطقه مهار کنند. جمهوری اسلامی ایران اما همواره تأکید کرده امنیت منطقه باید با تکیه بر توانمندی‌های داخلی و فرزندان ملت‌های منطقه تأمین شود، نه با تکیه بر طرح‌ها و سیاست‌های خارجی که برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس دنبال می‌کنند.

اخلاقی ارزیابی کرد و آن را به روحیات و حب و بغض‌های بازبگران سیاست خارجی فروکاست. مهم این است که بتوان از میان مناسبات اینچنینی حداکثر منافع را برای کشور بدست آورد. گرچه هنوز ابعاد رسمی‌تری از اقدام ترکیه و آثار عینی آن به منصفه ظهور نرسیده، ولی شواهد امر نشان می‌دهد چنین حرکتی جنبه صوری داشته و فاقد اثر واقعی است. اقدامی که به‌صورت نمادین نشان دهنده همراهی و تبعیت رسمی ترکیه به عنوان یکی از اعضای ناتو با تحریم‌های غربی علیه ایران است تا ظاهر سیاست خارجی این کشور را حفظ کند.

آنچه مهم است، ارزیابی و برآورد نتیجه واقعی همکاری‌ها و نسبت عینی ترکیه با نظام تحریم‌هاست که نیاز به بررسی و واکنش مناسب دارد. اما چیزی که تا این لحظه از واکنش‌های دوطرف مستفاد می‌شود این است که طرفین بدون توجه به جنجال‌های رسانه‌ای تمایل دارند همکاری‌ها را در سایه ابهام ادامه دهند.

مرور گمانه‌ها درباره توسعه مناسبات نظامی با شریکان منطقه‌ای و جهانی به بهانه سفر وزیر دفاع به ترکیه

همکاری نظامی در سایه تهدید مشترک

رژیم صهیونیستی بازی باز – برد طرفین است».

■ توسعه مناسبات نظامی با شریکان

البته که پس از جنگ ۱۲ روزه اخباری از توسعه مناسبات نظامی جمهوری اسلامی با شریکان خود به ویژه چین، روسیه و پاکستان با هدف پر کردن خلأهای پدافندی و بازآرایی توان نظامی به گوش می‌رسد و در محیط بازآرایی تنش‌ها میان بلوک‌های شرق و غرب در پرونده‌های اوکراین و حتی تایوان در سطح بین‌الملل این موضوع حائز اهمیت است. اما تحولات پرشتاب منطقه‌ای در فضایی است که وزیر دفاع در آخرین موضع‌گیری نسبت به انتقال تجهیزات نظامی آمریکا به منطقه و گمانه‌زنی رسانه‌ای در زمینه وقوع احتمالی جنگ گفته است: «کارهایی که در ترابری انجام می‌دهند، ناومی آورد می‌برند، نخستین بار نیست. مرتب می‌گویند حمله خواهد شد تا جامعه دچار معضل شود، تورم افزایش یابد و ثبات اقتصادی از بین برود. اگر جنگی تحمیل شود، وظیفه ما نظامی‌هاست دفاع کنیم و برایش آمادگی کامل داریم. اما سایر بخش‌های کشور نباید تحت تأثیر عملیات روانی این نقل و انتقالات نظامی قرار بگیرند. جنگ کنونی؛ هوشمند و ترکیبی از جنگ سخت و نرم بوده و لازم است مردم حواسشان به این جنگ شناختی باشد».

■ تشویق به بازی برد-برد

گمانه‌زنی درباره توسعه همکاری نظامی تهران با متحدان شرقی در